

## فساد، فرایندی اجتماعی، از جزء به کل

جان وارپورتون

ترجمه: محمود گروسی<sup>۱</sup>

از صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

### چکیده

فساد اداری را می‌توان با استفاده از واژگان ساده‌ای تعریف کرد؛ اما واقعاً فساد چیست؟ چه تأثیراتی دارد؟ اگر به این سؤالات پاسخ دهیم در واقع خواهیم توانست راه‌حلهای مناسبی برای مبارزه با این مشکل بزرگ دنیای مدرن امروز پیدا کنیم. البته بیشتر مشکلات پیچیده، پاسخهای ساده‌ای دارد که ممکن است به اشتباه نادیده گرفته شود. شاید بتوان فساد اداری را با استفاده از مفاهیم ساده تعریف کرد؛ اما این پایان آسانی، و مشکلات فراوانی پیش رو است. در مفهوم کلی فساد اداری، ثمره بسیار پیچیده‌ای از ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع است. تاکنون تعریفی از فساد را ندیده‌ام که بتواند تمامی جنبه‌های آن را در برگیرد. در این مقاله از دید ساختارها و فرایندهای اجتماعی به این پدیده می‌پردازیم و سعی داریم به دیدگاه روشنی در زمینه عملکرد آن دست یابیم. چنین دیدگاهی نه تنها به ما در رسیدن به درک روشن از فساد کمک می‌کند بلکه راه‌های پیشگیری مؤثری به ما ارائه می‌کند.

### واژگان کلیدی

فساد، ساختار سازمانی، فساد اجتماعی، پیشگیری از فساد

## ۱. مقدمه

این روزها رویکرد مرسوم در بررسی این پدیده در حال بررسی مؤسسات و سامانه‌هایی است که به این پدیده اجازه وقوع می‌دهد. من بار دیگر توجه شما را به سرشاخه بحث معطوف می‌کنم و بر این باور هستم که اگر ما فساد را پدیده‌ای اجتماعی بدانیم، باید تک تک بازیگران آن را مورد بررسی قرار دهیم و نقش هر یک از آنها را در جامعه درک کنیم. من قصد رد رویکرد سازمانی را ندارم. تنها سعی دارم از مسیری جدید به مسئله بپردازم. لارمور و ولانین اعلام کردند، رویکرد مدیریتی در مبارزه با فساد دچار شکست شده است؛ زیرا این رویکرد نتوانست یکپارچگی را در سازمانها ایجاد کند. این رویکرد از ترکیب شناخت این پدیده، انگیزه‌ها و اقدامات به وجود آمده است. توجه به افراد خاطی در روند بررسی فساد منسوخ شده است و نوعی بازگشت به نظریه شکست خورده سبب فاسد به شمار می‌آید که همواره در تعریف فساد مماشات می‌کرد.

تاکنون فساد را از جوانب مختلف بررسی کرده‌ایم. در این میان زیپارو معتقد بود بررسی افراد فاسد نوعی انحراف از مسیر درست است و باید ابتدا خود سازمان و ویژگیهای آن را مطالعه کرد. من پیشنهاد می‌کنم ابتدا سعی کنیم عملکرد فساد را درک کنیم. درک روشن و صحیح این مورد می‌تواند به ما کمک کند تا به ساختار کلی و پیچیده فساد در نظام اجتماعی جهانی پی ببریم. این هدف مهم تا به امروز محقق نشده است. شاید دلیل آن، دشواری و پیچیدگی آن باشد؛ زیرا نیازمند بررسیهای میان رشته‌ای جامعی است؛ با وجود این سعی می‌کنم الگویی متفاوت را در توصیف معاملات فاسد در حال اجرا و طریقه توسعه نظام فساد به کار گیرم.

## ۲. فساد اداری، فرایندی اجتماعی

معاملات فاسد معمولاً در نتیجه تعاملات اجتماعی طرفین مربوط اتفاق می‌افتد؛ برای این منظور باید بین دو و یا تعداد بیشتری از افراد ارتباط برقرار شود. این افراد عمل خود را فساد نمی‌دانند و توجیهات خاص خود را ارائه می‌کنند. آنها همواره در پی کسب سود بیشتری نسبت به دیگرانند. در اینجا سعی ندارم به ماهیت و چگونگی به دست آمدن این سود بپردازم. افراد فاسد علاقه‌مندین، اهداف، خواسته، نیازها و اولویتهای خود را دارند و برای رسیدن به آنها تلاش می‌کنند. مهمترین عامل در این مرحله، میزان تلاش و اراده فرد برای رسیدن به هدف است و نوع سود در درجات بعدی قرار دارد. پری (۱۹۸۱، ص ۱۸) در مطالعات خود گریزی به انگیزه افراد برای این قبیل اقدامات زده است.

کسب منفعت، مستلزم شناخت و حرکت به سوی اهداف است. فرد برای رسیدن به اهداف

خود نیازمند قدرت کافی است (لامبرث<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰، ص ۲۹۵). به عقیده هر دو طرف اقدام مفسدانه، قدرت و سرمایه دارد. هر دو به نوعی از قدرت برخوردارند؛ اما نمی‌توانند به طور مستقل اقدام، و به هدف مورد نظرشان دست پیدا کنند. فساد، این مرحله را به عهده دارد و با استفاده از قدرت هریک از آنها هدف را ممکن می‌سازد. آنها سپس با استفاده از قدرت به دست آمده از اقدام فساد خود در جهت رسیدن به منافع هدف حرکت می‌کنند.

در این قبیل اقدامات هر یک از طرفین شخصاً باید تصمیم بگیرد که آیا در این امر شرکت خواهد کرد یا خیر. اگر طرفین تصمیم به اجرای این برنامه داشته باشند، می‌توان گفت که آنها از مرحله تصمیم‌گیری عبور کرده‌اند. به نظر من دو محرک اصلی باید باشد تا طرفین از مرحله تصمیم‌گیری عبور کنند: نخست باید انگیزه کافی برای شرکت در چنین اقداماتی باشد. اصولاً شدت تمایلات درونی برای رسیدن به منافع موجب می‌شود افراد برای شرکت در فساد ترغیب و قانع شوند. این میزان تمایل نیز به وابستگی فرد به قدرتی دارد که در اختیار دیگر طرفین این اقدامات است. عامل دوم کاهش یا ضعف نیروهای بازدارنده است. این عوامل شامل عوامل اخلاقی بازدارنده، میزان خطر آشکار شدن و پیامدهای جانبی و ثانویه می‌شود.

تا اینجا دریافته‌ایم فرهنگ سازمانی تنها یکی از عوامل تأثیرگذار در تصمیم افراد برای شرکت در برنامه‌های فساد است. می‌توان با ایجاد تغییرات در فرهنگ سازمانی و تغییرات ساختارمند فرصتهای اقدامات فاسد را کاهش داد. این موارد در صورت نیاز می‌تواند به عنوان عوامل بازدارنده در روند تصمیم‌گیری افراد برای شرکت در فساد تأثیرگذار باشد؛ اما همچنان بر انگیزه‌هایی تأثیری ندارد که فرد را به شرکت در این اقدامات تشویق می‌کند. من در این بخش تصمیم دارم این عوامل را تک تک مورد بررسی قرار دهم و تأثیرات هر یک را در توسعه شبکه فساد و گسترش آن شناسایی کنم.

### ۳. فساد و قدرت

تا امروز رابطه فساد و قدرت کمتر مورد بررسی قرار گرفته و تنها ارتباط ضعیف و نامحسوسی بین این دو ترسیم شده است. مطالعه روگو و لاس ول با عنوان قدرت، فساد و درستیاری یکی از معدود پژوهشهایی است که سعی در شفاف‌سازی رابطه قدرت و فساد داشته است؛ اما موفقیت چندانی در این راستا به دست نیاورد (۱۹۶۳). این پژوهش به قدرت در ابعاد وسیع سیاسی پرداخته و در مطالعه آن در چهارچوب شخصی و انفرادی بازمانده است.

تمرکز من در این مطالعه بر اثبات فساد به عنوان نوعی قدرت است. این قدرت نتیجه ترکیب دو و یا چند منبع پایه قدرت است. ماهیت قدرت با ستیز همراه است. قدرت در این بحث با توجه به مفهوم عمومی آن در نظر گرفته شده و ترکیبی از دو نظریه وبری<sup>۱</sup> و امرسون<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. من از مفهوم عمومی قدرت استفاده می‌کنم. منظور از این تعبیر موقعیت و جایگاه طرفین، دسترسی آنها به مراحل و منابع خاصی است که به آنها این اجازه را می‌دهد تا بتوانند منافع خود را بیش از دیگران دنبال کنند و تحقق بخشند. منابع ممکن است پول، نفوذ، کاریزمایی شخصی، دلاوریهای ورزشی، روابط خانوادگی، تسلط بر رسانه‌ها یا دیگر تواناییهای فردی و خارجی باشد که می‌توان از آنها برای تسریع در تحقق خارج از روال عادی منافع استفاده کرد (کلارک<sup>۳</sup>، ۱۹۶۸، ص ۵۷). قدرت مقامات دولتی در واقع، اختیار و توانایی است که در نتیجه مشروعیت سیاسی آن مقام در اختیار افراد قرار می‌گیرد. این اختیار گاه می‌تواند قدرت اجرایی، کنترل و تصمیم‌گیری مراحل، مراتب خاص و منابع باشد. حال به رابطه فساد و قدرت بازگردیم. در این بخش قصد ندارم به تعاریف مختلف فساد اداری بپردازم. اغلب صاحب‌نظران این عرصه، تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل را پذیرفته‌اند. بر این اساس فساد اداری، استفاده نادرست از قدرت دولتی برای موارد و منافع شخصی است. حال قصد دارم کمی این تعریف را توضیح دهم. فساد اداری به آن دسته از اقدامات مقامات رسمی دولت اطلاق می‌شود که در آن از قدرت و اختیاری برای پیگیری و افزایش منافع شخصی استفاده می‌شود که به دلیل پست و مقامی خاص در اختیار افراد قرار می‌گیرد. البته گاه بخش خصوصی نیز در اقدام فاسد مقام دولتی شرکت می‌کند. آنها با استفاده از قدرت و منابع در اختیار و به منظور دستیابی به منافع، اهداف و قدرت دولتی مورد نیاز برای رسیدن به منافع خود تلاش می‌کنند تا بر دولت و مقامات تسلط پیدا کنند. باید به این نکته اشاره کرد که اختیارات دولتی خود به نوعی قدرت مبدل شده است که هر دو طرف اقدام فاسد می‌توانند از آن بهره مند شوند.

نکته کلیدی در این تعریف تمرکز بر تقسیم منافع به دو بخش شخصی و عمومی و رابطه قدرت و رسیدن به هدف است (اتزیونی، ۱۹۷۰، ص ۱۹). با کنار هم قرار دادن تعاریف مربوط به قدرت و فساد در می‌یابیم که فساد هدف اصلی نیست و تنها ابزار رسیدن به هدف مورد نظر است. قدرت فرایندی اجتماعی است. با توجه به این تعریف خواهیم توانست فساد را وارد حوزه مطالعات اجتماعی و روابط قدرت کنیم. ما در حال بحث درباره یکی از ویژگیهای اساسی بشر،

- 
1. Weberian
  2. Emerson
  3. Clark

ادراک، هستیم. موفقیت در رسیدن به هدف و استفاده از قدرت و روابط انسانی در چهارچوب اجتماعی. این مفاهیم ما را به سر منشأ روابط اجتماعی، تعامل دوجانبه افراد، باز می‌گرداند.

#### ۴. روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی فاسد

ماهیت روش و چهارچوب شکل‌گیری روابط اجتماعی موضوع مطالعات فراوانی بوده است (پییرسون، ۱۹۵۱). من تنها به دو جنبه از روابط اجتماعی اشاره خواهم کرد که در بحث ما تأثیر فراوانی دارد: روابط مخفیانه و اعتماد.

##### ۴-۱. روابط مخفیانه

اقدامات فاسد قابل پیگیری است و می‌توان افرادی را مجازات کرد که مرتکب آن می‌شوند؛ به همین دلیل افرادی که در آن شرکت دارند بخوبی می‌دانند که باید آن را مخفیانه انجام دهند. این مسئله در واقع بزرگترین مانع بر سر راه افرادی است که به دنبال استفاده از آن هستند. آنها با بهره بردن از رویکردهای عملیاتی خود، راه‌های ارتباطی مورد نیاز خود را ایجاد می‌کنند. این راه‌ها برای اینکه بتوانند پابرجا بمانند، باید شرایط خاصی داشته باشد. با در نظر گرفتن جامعه‌ای معمولی براحتی می‌توان آن را تعریف کرد. فردی، شخص دیگری را در غذاخوری ملاقات می‌کند و با هم گفتگو می‌کنند. آنها به منظور برقراری ارتباطات بیشتر از تلفن استفاده، و نامه ارسال می‌کنند. شروع این ارتباط و ایجاد راه مناسب برای آمر در ابتدا بسیار دشوار است. رویکرد مورد استفاده چندان روشن نیست؛ زیرا طرفین دوم اقدام فساد نباید بتوانند مشکلی برای آمر و اهداف او به وجود بیاورند. از سویی دیگر رویکرد مورد استفاده پیچیده نیز نباید باشد؛ زیرا ممکن است نفر دوم نتواند به ماهیت اقدام پی ببرد و فرصت بکلی از بین برود. آمر معمولاً تمایلی ندارد در حالتی قرار بگیرد که برای رفع عدم درک مخاطب خود به بروز و توضیح در زمینه رویکرد خود مجبور باشد. من بر اساس تجربیات خود به این نتیجه رسیده‌ام که تعیین رویکرد مناسب برای فساد معمولاً در ملاقاتهای رودر و مشخص می‌شود. در این ملاقات می‌توان اطلاعات مفید و مناسبی را با تحلیل رفتارهای غیرکلامی افراد و اطلاعات رد و بدل شده به دست آورد. من برای رسیدن به این نتایج بیشتر از ده سال به تحقیق در زمینه مبارزه با فساد پرداخته، و تا کنون ندیده‌ام که رویکرد فساد مورد استفاده از طریق تلفن و نامه تعیین شود. به همین دلیل است که گروه‌های ذی‌نفع تمایل دارند به منظور داشتن افراد خاص و خبرچین در امور مربوط به سیاست‌گذاریهای سیاسی مبالغ هنگفتی بپردازند. آنها می‌دانند که بدون راه ارتباطی، شانس تأثیرگذاری در روند تصمیم‌گیریها نخواهند داشت. در پیشرفته‌ترین سامانه‌های سیاسی، که از مقاومت بسیاری در

مبارزه با فساد برخوردارند، هم مقاومت در برابر وسوسه مبالغ زیاد پیشنهادی بسیار دشوار است. در استرالیا احزاب سیاسی طبق استانداردهای رفتاری خاصی فعالیت می‌کنند؛ با وجود این باز هم گروه‌های تجاری حاضرند ده‌ها هزار دلار بپردازند تا راهی برای دسترسی به وزیران پیدا کنند. زمانی که ارتباط برای اولین بار بین دو طرف اقدام برقرار می‌شود و طرح به سرانجام می‌رسد، ماهیت رابطه تغییر می‌کند. دیگر خبری از فرد آمر در رابطه نیست و طرفین به یک میزان تمایل دارند با یکدیگر همکاری کنند. نکته مهم این است که راه ایجاد شده و اقدامات مورد نظر باید مخفی باشد و اگر یکی از طرفین به قطع همکاری تصمیم بگیرد، باز هم حق افشای رابطه و اقدامات را ندارد.

#### ۴-۲. اعتماد

دو طرف اکنون در چهارچوب رابطه‌ای قرار دارند که وضعیت خاص خود را دارد. هر لحظه ممکن است رابطه آشکار شود و مورد مجازات قرار بگیرند؛ به همین دلیل لازم است اقدام فاسد در اختفای کامل انجام شود و طرفین به یکدیگر اعتماد کنند. لومن<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) اعتماد را ادامه عمل به اقدام و رفتاری می‌داند که طرفین از پیش شرایط آن را ترسیم کرده‌اند. اعتماد پاسخ منطقی است که طرفین به یکدیگر می‌دهند و پیچیدگی این نوع روابط اجتماعی را دو چندان می‌کند. ممکن نیست بتوان تمامی اطلاعاتی را به دست آورد که برای تصمیم‌گیری در زمینه طرف مقابل نیاز است. در نهایت بناچار باید اعتماد کرد. اعتماد در برخی موارد باعث کاهش پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری درباره روابط اجتماعی می‌شود. بر اساس مطالعات لومن افراد می‌توانند پیچیدگی‌های نظام اجتماعی را کاهش دهند و با تکیه بر ساختار مناسب، کمتر به اعتماد نیاز پیدا کنند. اعتماد در روابط تجاری وسیع جایی ندارد و پیچیدگی‌های حقوقی و هنجارهای آن جای اعتماد را می‌گیرد و تجارت بر اساس آن، اداره و انجام خواهد شد (لومن، ۱۹۷۹: ۳۴).

در اقدامات فساد چنین ساختاری وجود ندارد که بتوان به آن تکیه کرد. ماهیت مخفیانه و قابل پیگرد این اقدامات تضمین‌کننده اعتماد طرفین به یکدیگر است. به محض اینکه اعتماد در چنین روابطی برقرار شود، هردو طرف اسیر ساختار پیچیده آن می‌شوند و باید تلاش کنند تا آن را پرورش دهند و حفظ کنند. راه ایجاد شده بین طرفین باید به گونه‌ای باشد که اعتماد در آن باشد و پیوسته تقویت شود؛ به همین دلیل است که من بر این باور هستم روابط شخصی و انفرادی افراد در اقدامات فساد در حال جریان نقش مهمی دارد؛ به همین دلیل گاه طرفین اقدام فساد باید یکدیگر را رو در رو ملاقات، و با نمایش نوعی همدلی، اعتماد بین خود را تقویت کنند.

دیدارهای رو در رو ماهیت روابط مربوط به فساد را بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتماد، همدلی و تلاش برای احقاق منافع شخصی همگی در چهارچوب پیچیده‌ای در تعامل است.

نیاز به حفظ اعتماد از طریق دیدارهای رو در رو بخوبی توجیه می‌کند که چرا در بیشتر موارد فساد، فرد هدف، منابعی همچون رشوه را قبول می‌کند و به آن تن می‌دهد که بسیار کمتر از قیمت واقعی کالا و یا اطلاعات مورد معامله منابع دولتی است. مقامات دولتی براحتی با مبالغ کمتر از ارزش واقعی به همکاری راضی می‌شوند. نمونه این اقدام بین نیروهای پلیس نیز به اثبات رسیده، و مشاهده شده است که آنها گاه در عوض چند کارتن نوشیدنی الکلی یا مقدار اندکی پول چگونه حسن شهرت، وظایف و بازنشستگی خود را به خطر می‌اندازند. گزارشهای سالانه کمیته مستقل مبارزه با فساد ولز جنوبی سرشار از این مثالها است.

### ۵. شبکه‌های فاسد مبادله‌ای

بیشتر نظریه‌ها در زمینه فساد با در نظر گرفتن مبادلاتی ارائه شده است که انجام می‌شود. با نگاهی دقیق می‌بینیم که تنها تعداد کمی از پژوهشهای این حوزه به شبکه فساد پرداخته‌اند. در رویکرد مبادله‌ای شبکه فساد ماهیت اجتماعی اقدامات فاسد بررسی می‌شود. حال تلاش خواهیم کرد تا ببینیم که چگونه اقدامات فساد دوجانبه توسعه خواهد یافت و به شبکه فاسد مبادله‌ای تبدیل خواهد شد. لازم به ذکر است که این رویکرد در ابتدای پیدایش خود است و به مطالعات و پرورش بیشتری نیاز دارد. به منظور کمک به درک فساد به عنوان پدیده‌ای اجتماعی سؤالاتی مطرح کردم که توجه ما را به تعاملات اجتماعی معطوف می‌کرد. از دیدهای مختلفی به این رویکرد نگاه، و تحت عناوین متفاوتی معرفی شده است؛ ولی در حال حاضر با عنوان نظریه شبکه اجتماعی شناخته می‌شود. در این نظریه طرفین اقدام شاخه‌های یک شبکه هستند که بر ارتباط آنها توجه خاصی شده است (امیبایر و گودوین، ۱۹۹۴). در این نظریه سعی می‌شود رابطه و چگونگی تعامل بین طرفین بررسی شود. این نظریه بر این باور است که روش تعامل طرفین در این قبیل تعاملات اجتماعی بر شیوه زندگی فردی آنها تأثیر با آن و رابطه مستقیم دارد (فرنچ، ۱۹۵۶). این رویکرد با قدرت تقویت محاسباتی ترکیب می‌شود و کالبدی ملموس از شبکه‌های اجتماعی به ما ارائه می‌کند تا به شکل ساده‌تری بتوان پیچیدگیهای این شبکه‌ها را در طول زمان بررسی کرد.

تصور کنید هر انسانی در این دنیا یک گره در شبکه و نظام اجتماعی باشد. در این شبکه

هر فرد با دیگری ارتباطی دارد. مجموعه این ارتباطات نوعی زیر شبکه پیچیده را ایجاد می‌کند. برخی از گره‌ها ارتباطات بیشتری دارند؛ برخی کمتر و برخی اتصالات قویتری دارند که به روابط قویتری می‌انجامد و برخی دیگر ارتباطات ضعیفتری که به روابط کمتری منجر می‌شود. گاه ارتباطاتشان حتی نیازهای طول زندگی آنها را نیز تأمین نمی‌کند. آینده هر فرد در شبکه اجتماعی به میزان ارتباطات او بستگی دارد. پژوهشگران اجتماعی گاه از پیچیدگی این ارتباطات در جوامع عظیم و بسیار پیچیده‌ای همچون ایالات متحده دچار شگفتی می‌شوند.

این سامانه نه تنها ایستا و ساکن نیست، بلکه بسیار پویا است. ارتباطات پیوسته در حال رشد، برقراری و یا از بین رفتن است. آنها دائم با تجربیات افراد دچار تغییر و اصلاح می‌شود. روابط اجتماعی برای بقا نیازمند صرف انرژی است. اگر افراد هزینه‌های ارتباط خود را نپردازند، آن رابطه دچار ضعف خواهد شد. همانند شبکه عصبی، شبکه اجتماعی، اصول و تنظیمات مرکزی ندارد و واکنش یکسانی به تحکات خارجی نشان نخواهد داد. هر فرد با توجه به نیاز، خواسته‌ها، تأثیرات اجتماعی و محیطی خود ارتباطاتش را در شبکه تقویت می‌کند و افزایش می‌دهد. معمولاً به هر میزان که طرف مقابل، رابطه خود را با آنها تقویت کند، آنها نیز به این اقدام واکنش متقابل نشان می‌دهند.

افراد معمولاً ارتباطات قوی، بی‌آلایش، وسیع و با ساختار مناسبی با خانواده و خویشاوندان خود، پدر، مادر، شریک زندگی، فرزندان و خواهر و برادر خود دارند. رابطه آنها با دوستان و آشنایان با روابطی که به آن اشاره شد، متفاوت خواهد بود. ارتباط با خانواده معمولاً بدون وقفه است و تا پایان عمر ادامه خواهد داشت. رابطه با دوستان و آشنایان همیشگی نیست و یک روز به وجود می‌آید و بسته به ماهیت رابطه، روزی از بین خواهد رفت. هر یک از طرفین با افراد تحت کنترل و دیگر کارکنان محیط کار خود رابطه دارد. ممکن است آنها رابطه‌ای رسمی با مافوق خود داشته باشند؛ اما این موضوع در مورد افراد تحت کنترل صدق نمی‌کند و در بیشتر موارد رفتار آنها غیررسمی خواهد بود (آرگیل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸، ص ۱۷۵). گاه ممکن است فرد با دیگر افرادی ارتباط برقرار کند که منافع مشترکی دارند. ممکن است آنها عضو یک باشگاه و حزب سیاسی باشند. گاه ممکن است آنها شبیه‌ها برای رقص دسته‌جمعی در محلی خاص حضور پیدا کنند و یا روزهای یکشنبه همگی به کلیسا بروند. هر یک از این ارتباطات در هر زمان و مکانی که باشد، پیچیدگی روابط اجتماعی و ارتباطات را افزایش می‌دهد (براون<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵، ص ۱۶۰).

1. Argyle

2. Brown



به طور کلی ارتباطات میان طرفین معامله، ثمره شرایط و اهداف آنها است. آنها به اختیار خود، عضو گروه‌های بزرگ و سازمان‌یافته یا گروه‌های کوچک و کم اهمیت می‌شوند. آنچه آنها را در یک گروه خاص گرد هم جمع می‌کند، اهداف مشترک است. ارتباطات در این گروه‌ها رشد می‌کند؛ در طول زمان دستخوش تغییرات، و بر اساس ساختار گروهی و پیشینه ارتباطات تعریف می‌شود. هر فرد می‌تواند در زمینه روابط خود تصمیم‌گیری کند و ارتباطات خود را در جهت منافع و نیازهای خود پیش ببرد. آنها در درجات مختلف این کار را می‌کنند و طیفی را از منفعل بودن تا افرادی دربر می‌گیرند که ارتباطات وسیعی برای رسیدن به منافع خود دارند (فیشر، ۱۹۹۷). حال سؤال مهمی به وجود می‌آید که نیازهای این افراد چیست و تا چه میزان تحقق آنها را می‌خواهند.

ساختار دقیق خواسته‌ها، نیازها و ساختار اهداف موضوع بحث ما نیست. انسانها معمولاً رفتارهای غیرعقلانی و فارغ از ترس، حریصانه، خشن، همراه با حسادت یا حماقت‌وار دارند. رفتار آنها همیشه به یک شکل نیست. اینکه چرا رفتار انسان تا این حد پیچیده، و پیوسته در حال تغییر است، موضوعی است که باید در علم روانشناسی به آن پرداخت؛ اما زمان و مکان به عنوان دو عامل مهم بر آن تأثیر فراوانی دارد. اگر نیازها، اهداف و منافع بدرستی در ذهن و روح فرد پایه‌گذاری شده باشد او به سمت آن حرکت خواهد کرد.

من ابتدا شبکه اجتماعی را تعریف کردم. در این شبکه هر فرد جایگاه خود را دارد و با دیگران در ارتباطات است. این روابط پیوسته در حال توسعه، تغییر و رشد است و فرد می‌تواند عمداً و در جهت منافع خود آن را ایجاد کند یا از بین ببرد. افراد تنها زمانی می‌توانند به اهداف خود دست پیدا کنند که جایگاه لازم، کنترل بر کارها و دسترسی به منابع مورد نیاز را داشته باشند (بورت، ۱۹۹۷، ص ۲۶۹ و ایتزیونی، ۱۹۷۰، ص ۱۹). در متن شبکه اجتماعی مقام، کنترل و دسترسی به منابع باعث قدرت یافتن فرد می‌شود. در اقتصاد پیشرفته هر چیزی می‌تواند منبع قدرت باشد اگر فرد بتواند با آن منافع، خود یا دیگران را سریعتر از دیگران به جلو ببرد. کاریزما، توانایی صحبت در محافل عمومی، رسانه‌ها، تبلیغات و اطلاعاتی که است دیگران به آن دسترسی ندارند و همگی اینها می‌تواند منبع قدرت باشد (السن، ۱۹۷۰، ص ۵).

تلاش فرد برای بهره‌مندی از این منابع خود موجب قدرت یافتن فرد می‌شود. علاوه بر این قدرت، مفهومی انتزاعی است و نمود بیرونی ندارد. زمانی که فرد از قدرت خود استفاده می‌کند،

1. Fischer
2. Burt
3. Etzioni

سریعتر از منافع دیگران به منافع خود می‌رسد. زمانی که فرد این منابع و قدرت را در اختیار دارد اما از آن در جهت رسیدن به اهداف خود بهره نمی‌برد در واقع از قدرت خود استفاده نکرده است. امرسون قدم فراتر می‌گذارد و می‌گوید قدرت دارایی افراد نیست؛ بلکه رابطه اجتماعی است که بین افراد برقرار است. زمانی که فردی منابعی را در اختیار دارد که دیگری به آن نیاز زیادی دارد، می‌توان گفت که فرد اول دارای قدرت است.

افراد معمولاً منابعی را در دست دارند که می‌دانند به آنها در رسیدن به هدفشان کمک می‌کند؛ با وجود این، این تمام موضوع نیست؛ گاه به سوی مواردی حرکت می‌کنند که کاربردی برای اهداف شخصی آنها ندارد. در این میان پول به دلیل داشتن ویژگی تبدیل از امتیازات خاصی برخوردار است. پول براحتی از فردی به فرد دیگر قابل انتقال است و می‌تواند در جهت اهداف جدید نیز حرکت کند. در این بخش مشخص می‌شود که فساد، کارزار مبادله مستقیم منابع قابل ارائه است. رز آکرمن بدرستی به لزوم کنترل منابع کمیاب و خاص دولتی اشاره کرده است. وی بر این باور است که این منابع موجب ایجاد نوعی بازار می‌شود که در ادامه به فساد اداری خواهد انجامید (رز آکرمن، ۱۹۷۸، ص ۲). آنچه رز آکرمن و دیگر اقتصاددانان در درک آن دچار مشکل هستند، این است که این بازار خود به نوعی نمونه ساده‌ای از جامعه و داد و ستدهای جامعه واقعی و جهانی است. گروهی از مردم در حال خرید و فروش کالا هستند و اقدامات به شکل طبیعی و غریزی در آن در حال اجرا است (جکسون، فیشر و جونز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷، ص ۴۳). بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی، مبادلات در اجتماع بین افرادی اتفاق می‌افتد که با یکدیگر در ارتباط هستند. دسترسی طرفین معامله به منابع، کالا یا غیرکالا، محرک اصلی در این ارتباطات است. این قبیل داد و ستدها به موقعیت و قدرت عملیاتی و اجرایی طرفین وابسته است (کوک<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷).

این بحث ما را وارد فضایی کرد که در آن فساد اقدامی دوجانبه تلقی می‌شود که در آن یک طرف آمر، و فرد دیگر هدف به شمار می‌رود. زمانی که آمر به اقدامی خاص تصمیم می‌گیرد به دنبال فرد هدف خود می‌رود و تلاش می‌کند ارتباطات مورد نیاز را برقرار، و با استفاده از قدرت و منابع خود او را به همکاری ترغیب کند. در این بحثها بروشنی اعلام شد آنچه فرد را برای همکاری با طرف مقابل مجاب می‌کند، قدرت و دیدگاه‌های طرفین است. سرانجام ممکن است دو طرف برای همکاری مجاب شوند یا نه؛ اما هیچ گزینه میانی دیگری نیست و تنها زمانی که این شرایط محقق شود، همکاری برقرار خواهد شد:

1. Jackson, Fischer and Jones

2. Cook

- آمر راه ارتباطی با هدف خود داشته باشد (داهل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴، ص ۲۹۲).
- آمر قدرت و منابعی را در اختیار داشته باشد که مدنظر هدف است.
- هدف به منابع وابسته است.
- هدف بسادگی و به شیوه‌های دیگر به منابع دسترسی نداشته باشد.
- هدف نیز منابع مورد نظر طرف مقابل را دارا باشد.
- آمر نیز راه دیگری برای دسترسی به منابع تحت کنترل هدف نداشته باشد.
- رابطه آمر و هدف از کیفیت کافی برخوردار باشد تا طرفین بتوانند به هم اعتماد کنند و تصمیم به ادامه همکاری بگیرند (دلا پورتا و پیسورنو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶، ص ۷۶).
- امکان اقدامات مخفی باشد (آلاتاس، ۱۹۶۸).
- هدف به مسائل اخلاقی پایبند نباشد.
- هدف ایمان پیدا کند که خطر این اقدام در برابر سود آن بسیار اندک است و در صورت فاش شدن پیامدهای سنگینی در پی نخواهد داشت.
- آمر به این نتیجه برسد که خطر ناشی از این اقدام و مجازاتهای آن به اندازه کافی ناچیز باشد.

اینکه آمر تصمیم بگیرد در این قبیل اقدامات شرکت کند و آن را به انجام برساند به ترکیبی بستگی دارد که از شرایط یاد شده به دست می‌آید. پذیرش همکاری از سوی هدف نیز به ترکیبی مناسب از شرایط وابسته است. باید منافع این اقدام برای هر دو طرف بیش از مخاطرات آن باشد. با توجه به این مباحث تاکنون بروشنی مشخص شد که برای جلوگیری از این پدیده و پیشگیری از فساد باید به این انگیزه‌ها و محرکها توجه ویژه‌ای کرد.

اگر تلاش برای ترکیب قدرتها به نتیجه برسد و شرایط فساد فراهم شود، پیامدهایی به دنبال خواهد داشت: نخست اینکه رابطه بین آمر و هدف تقویت می‌شود. دوم اینکه راه ایجاد شده ممکن است پس از پایان اقدام همچنان پابرجا بماند. در حالتی که تمامی موارد و شرایط ذکر شده محقق شود، باز هم آمر به اقدام باید منابع مورد نظر طرف هدف را در اختیار داشته باشد و آن را ارائه کند تا ارتباط ایجاد شده ادامه پیدا کند. علاوه بر این با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از مطالعات و موارد کشف شده، معمولاً طرف آمر، اطلاعات مفصلی از اقدامات فاسد هدف در گذشته دارد. در موقعیتی که فرد هدف نسبت به حسن شهرت خود حساس باشد که معمولاً

1. Dahl

2. Della Porta and Pissorno

مقامات دولتی این گونه هستند، این عامل به یکی از عوامل قدرت فرد آمر تبدیل می‌شود و از آن استفاده می‌کند. چنین رابطه‌ای کاملاً مستعد ادامه همکاری است.

برای طرفینی که در شبکه فساد حضور دارند و الزام است که در ارتباط با یکدیگر باشند، الزامی است هزینه‌های مخفی ماندن اقدامات خود را بپردازند. اکنون طرفین دارای قدرت برابر هستند و برای ادامه همکاری به اعتماد نیاز دارند. اگرچه در اقدام اول یک طرف آمر و طرف دیگر هدف است، پس از شروع همکاری در موارد بعدی، همکاری مشترک و دو طرفه خواهد بود. دیگر اقدامات در جهت تقویت این رابطه به ویژگی و انتظارات و منافع طرفین بستگی دارد.

آمر در اقدام فساد ممکن است عضو بخش خصوصی یا دولتی باشد. در حالتی که طرف دولتی انگیزه زیادی داشته، و یا نیروهای بازدارنده ناکافی باشد، این فرد ممکن است به آمر فساد تبدیل شود. البته این اتفاق در دولتهای دموکرات نوظهور بیشتر اتفاق می‌افتد که قوانین آن بتازگی ایجاد و اجرا شده است. در دولتهای پیشرفته آموزشها، رفتارهای غیرقابل قبول، پیامد رشوه‌خواری، موارد اخلاقی بازدارنده، خطر همراه با عمل و پیامدهای ثانویه ناشی از این قبیل اقدامات بخوبی به مردم ابلاغ شده است و مردم کمتر به اقداماتی از این قبیل می‌پردازند در حالی که در کشورهای در حال توسعه و نوظهور به دلیل نبود قوانین جامع و قدرتمند این طور نیست. علاوه بر این در کشورهای در حال توسعه مقامات رسمی به دلیل فقر و نبود منابع مناسب، انگیزه زیادی برای دستیابی به این قبیل امتیازات دارند.

اگر خواسته‌ها و منابع مورد نظر آمر محقق شود، رابطه به قوت خود باقی خواهد ماند. در مراحل بعدی ممکن است آمر فساد غیردولتی به موقعیت مقامات دولتی چشم بدوزد و به دنبال قدرتی فراتر از قدرت فرد هدف در دولت باشد. در مواردی نیز ممکن است اقدام به حدی بزرگ باشد که آمر قدرت فرد هدف را کافی نداند و به سراغ مافوق او برود. این اتفاق در سامانه‌های سیاسی جدید و دموکراسی فراوان دیده می‌شود؛ زیرا قدرت در این نظامها تنها در اختیار افراد معدودی است. اختیار و قدرت تصمیم‌گیری انحصاری بر منابع تحت کنترل دولت توسط یک فرد در دنیای امروز امکان ندارد. اگر در دیگر افراد فعال در شبکه به برقراری ارتباط با آمر تمایل باشد، فرد آمر از بهره‌مندی از ارتباط با آنها و قدرت تحت اختیار آنها استقبال می‌کند. نکته کلیدی این است که فرد آمر (در اینجا فرض می‌کنیم فرد خارج از دولت باشد) کمتر از ارتباط‌های آماده با افراد فاسدی استقبال می‌کند که به منابع دولتی دسترسی دارد. برای آمر برقراری ارتباط قوی با فردی مناسب به منزله دسترسی او به افراد بانفوذ و سرمنشأ قدرت است؛ لذا برقراری ارتباط قوی به منزله دسترسی به قدرت کل شبکه است. روال فاسدسازی شبکه در

دولت، افرادی هستند که به این قبیل اقدامات تمایل داشته باشند: سازمان خواسته‌های مورد نظر آمر را در خود داشته باشد. آمر منابع مورد نظر هدف را بتواند تأمین کند. علاوه بر این هرگونه تلاش در این زمینه باید شرایط اشاره شده را نیز تأمین کند. با اینکه ساختار بسیار پیچیده است باز هم با توسعه شبکه این پیچیدگی افزایش خواهد یافت و آمر به افراد ویژه‌تری دست پیدا خواهد کرد تا بتواند از قدرت سازمانی بهره مند شود و به اهداف وسیعتری دست یابد.

باید به این نکته اذعان کرد که پیش از ایجاد شبکه فساد به استثنای ساختارهای از پیش ایجاد شده و موجود این قبیل روابط، هیچ معیار و چهارچوب خاصی برای رابطه طرفین انجام دهنده این اقدامات وجود ندارد. به طور کلی قوانین و قواعد شبکه فساد تنها یک بار و در همان ابتدا ایجاد، و پس از آن تنها دستخوش تأثیرات دوگانه طرفین خواهد شد. در مرحله اول شبکه فساد دستخوش اقدامات و برنامه‌های شخصی هر یک از طرفین می‌شود. در مرحله دوم شبکه اجتماعی تحت تأثیر نفوذ کلی شبکه فساد قرار خواهد گرفت. پیامدهای این تأثیرات این است که همه طرفین شروع به تلاش می‌کنند و هریک سعی خواهند کرد شبکه را به سمت و سوی تحقق بیشتر منافع خود پیش ببرند و شبکه فساد خود را توسعه دهند.

نتیجه این روال ادامه رقابت و جنگ قدرت بین طرفین در چهارچوب شبکه فساد، طرفین فعال در ساختار شبکه فساد و دیگر فعالان درون سازمانها خواهد شد. قدرت سازمانی، قدرت عوامل فساد و قدرت حمایت کننده از فساد، همگی به کار گرفته می‌شود تا مرکز تصمیم‌گیری سازمان را تحت تأثیر قرار دهد و از آن برای رسیدن به اهداف شبکه استفاده کند. این روال شامل ارتقای اعضای شبکه، و قرنطینه و طرد افراد غیر عضو در شبکه می‌شود. هر فرد فعال در جریان به شکلی پیچیده به تعامل با شبکه خواهد پرداخت و طبق الگوی مشخص در جهت رشد شبکه قدم برخواهد داشت.

انگیزه‌های درون سازمانی به نوعی اقدام کنندگان به فساد را به سوی این اقدامات سوق می‌دهد؛ اما عوامل خارجی نیز به نوبه خود مؤثر هستند. اقدام کنندگان ممکن است تحت تأثیر عوامل خارجی همچون ضعف اخلاقیات، رهبری ضعیف، نبود رهبری اخلاقی، آموزش ضعیف، ارزشهای سازمانی مبهم و سیاستهای غیرکاربردی و معیارهای اخلاقی فرسوده قرار گیرند. دیگر عوامل از قبیل پاسخگویی ضعیف، تمیزی داخلی ضعیف، عملکرد مدیریتی ضعیف و رهبری ضعیف سازمان نیز باعث کاهش خطر این قبیل اقدامات می‌شود و پیامدهای ناگوار آنها را کاهش می‌دهد. اگر شبکه فساد برای یک بار در سازمانی مستقر شود، استفاده از قدرت با جا به جایی منابع توسعه خواهد یافت. نیروهای فاسد در سازمان باقی خواهند ماند و از یکدیگر حمایت و دفاع، و از

قدرت خود به گونه‌های مختلف استفاده خواهند کرد. عضویت در شبکه فساد، فرد را در گروهی قرار می‌دهد که در پی منافع جمعی و همزمان در پی پیشبرد اقدام فاسد و حفاظت از شبکه هستند. نیازی نیست اعضای شبکه فساد برای به دست آوردن قدرت سازمانی شبکه را ترک کنند. آنها باید تلاش کنند به منابع متفاوتی دست پیدا کنند. رشد شبکه در واقع به معنای افزایش قدرت تحت کنترل اعضای آن در سازمان است. در برخی موارد ممکن است اعضای شبکه بکلی قدرت سازمان را در دست بگیرند که در این حالت می‌توان گفت که شبکه به طور کامل بر سازمان تسلط دارد. باید به این نکته اشاره کرد که قدرت شبکه لزوماً به افرادی بستگی ندارد که در آن عضویت دارند؛ بلکه به اختیارات و قدرتی بستگی دارد که توانسته است در سازمان به دست بیاورد. تعداد کمی از افراد بلند پایه فعال در سازمان، که با شبکه در تماس هستند، می‌توانند کنترل کامل سازمان را در دست بگیرند؛ اما تعداد زیادی از اعضای شبکه با پستهای معمولی و قدرت، کمتر چنین توانایی را ندارند.

#### ۶. شبکه فساد و پیشگیری از فساد

چگونه ممکن است درک و شناخت، مطالعه فساد، شبکه اجتماعی آن و ارتباطات اجتماعی دخیل در آن به ما در پیشگیری از آن کمک کند؟ ابتدا اینکه با این قبیل مطالعات کاملاً بر لزوم یکپارچگی سازمانی پی خواهیم برد. بوردمن و کلوم به رفتارهای غیراخلاقی اشاره کرده‌اند و آن را به تعدادی از عوامل خطر وابسته می‌دانند. براساس مطالعات تجربی و توصیفی در برخی حالتها و با وجود برخی عوامل، فساد بیشتر رشد می‌کند. با مرور مطالعات در می‌یابیم هنوز سازوکار روشنی، چگونگی تأثیر این عوامل خطر را بر رشد فساد مشخص نکرده است.

رویکرد سازمانی تا حدودی می‌تواند موفق باشد؛ چرا که فرهنگ حاکم بر بخش دولتی تا حدی قابل کنترل است. با آموزش پیشگیری و ارتقای توان مقاومت در برابر فساد، می‌توان یکپارچگی را در سازمان ایجاد کرد. این فضا بخوبی می‌تواند بر انگیزه‌های افراد فاسد تأثیر بگذارد. البته محدودیتهایی در این سامانه هست که موجب نتیجه‌بخش نبودن این سازوکار می‌شود. عوامل محرکی هست که فرد را به عمل وادار می‌کند. اگر این محرکها بتواند بر عوامل بازدارنده سامانه یکپارچه‌سازی سازمانی غلبه کند، باز هم امکان حادث شدن فساد وجود دارد. حال دو نمونه از موارد اتفاق افتاده در چنین وضعیتی بیان می‌شود:

۱- در کشورهای در حال توسعه هنوز هم می‌توان مقامات دولتی را به اقدامات خلاف قانون و فساد وادار کرد. حتی اگر سازمان به یکپارچه‌سازی موفق شده باشد، اگر خانواده او گرسنه باشد او برای تأمین آنها اقدام خواهد کرد.

۲- مسئولان و مأموران مواد مخدر ایالات متحده بشدت مورد آموزش قرار گرفته‌اند؛ حقوق مناسبی دریافت می‌کنند و قوانین شغلی سختگیرانه‌ای در زمینه بررسی اقدامات، رفتارها و تمیزی سازمانی دارند؛ با وجود این فساد یکی از مشکلات بزرگ در این سازمان است؛ زیرا روابط این افراد با قاچاقچیان مواد مخدر و مقاماتی که به آنها رشوه پرداخت می‌کنند، همچنان زیاد است. افرادی که در برابر دریافت رشوه مقاومت کنند، مورد تهدید قرار می‌گیرند و سرانجام به اجرای خواسته آنها وادار می‌شوند.

درست نیست گفته شود هرکس قیمتی دارد. همیشه افرادی در سازمان هستند که انگیزه آنها برای فساد در حالتی خاص بیشتر از عوامل بازدارنده بوده است. دو مورد یاد شده بخوبی نقش منابع قدرت و اعمال فشار و وابستگی را در کردار افراد بخوبی نشان می‌دهد. برنامه‌های پیشگیری از فساد باید به صورت راهبردی منابع را هدفگیری و به نیروهای فاسد بخش خصوصی به همان اندازه وابستگی‌های بالقوه مقامات دولتی توجه کند. درک میزان وابستگی می‌تواند به ارزیابی میزان خطر مقامات آسیب‌پذیر کمک بزرگی کند.

رویکرد شبکه اجتماعی بار دیگر توجه ما را به اهمیت راه‌های ارتباطی معطوف می‌کند. بدون ایجاد این راه‌ها اقدامات فاسد امکان‌پذیر نخواهد بود. برنامه‌های پیشگیری از فساد باید به گونه‌ای طراحی شود که نظارت بر راه‌های ارتباطی افراد مستعد فساد در آن بدقت بررسی شود. راه‌های خاصی باید برای دسترسی به مقامات رسمی دولتی باشد که افراد نتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند و آنها را تحت تأثیر قرار دهند.

اگر یک بار این پنجره باز شد، ارتباط آمر و مقام رسمی به فساد منجر می‌شود و این راه ارتباطی باز خواهد ماند. حتی اگر مقام مورد نظر در سازمان جا به جا شود و پست دیگری به دست بیاورد، همچنان این ارتباط وجود خواهد داشت. افراد مظنون به فساد را نمی‌توان همچون دیگر کارکنان با جا به جایی یا ارتقا تحت کنترل در آورد. این افراد باید با دقت فراوان و تحت سامانه‌ای منظم و منسجم کنترل شوند. اگر دلایل کافی و محکمی برای اثبات باشد، باید اقدامات حذف آنها انجام شود و اگر هنوز اسناد کافی برای به اثبات رساندن آن وجود ندارد، باید بدقت او را تحت کنترل داشت.

در دیدگاه شبکه اجتماعی به موضوع فساد، قدرت، بخش جدایی‌ناپذیر منابع لازم رسیدن به موفقیت است و نوعی کالای واسطه به شمار می‌آید. فساد حربه‌ای است که قدرتمندان و جویندگان قدرت از آن برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کنند. فساد خود هدف نیست؛ بلکه شیوه گردآوری قدرت لازم برای رسیدن به هدف مورد نظر است. این پایان کار

نیست. افرادی که از فساد برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کنند، مخفی بودن و اجرای نامحسوس روند کاری خود را یکی از ملزومات آن می‌دانند. استفاده نادرست از قدرت سازمانی، حتی اگر به منظور کسب منافع فردی باشد، نشاندهنده وجود توان لازم فساد در سازمان است در سازوکار شبکه فساد گاه عملیاتی ساختن شبکه از مبادله منابع بسیار مهمتر است. فراهم سازی سازمان برای اعمال شرایط خویشاوندگرایانه در برخی موارد از مصداقهای کلاسیک فساد مهمتر است. اگر ارکان اصلی شبکه فساد در سازمان ایجاد شود. شانس کشف آن بسیار کم خواهد شد.

تمرکز بر منافع طرفین اقدام فساد نشان می‌دهد که مسئله کلیدی در بیشتر شبکه‌ها اهداف و منافع مشترک است. برنامه‌های پیشگیری از فساد نیز باید منافع جمعی کارکنان بخش دولتی را شناسایی کند. این منافع مشترک در همه سازمانها یکسان نیست. همانطور که پیش از این ملاحظه شد، اعتماد طرفین به یکدیگر در اولین اقدام مشترک طرفین تأثیر فراوانی دارد. منافع مشترک دو طرف موجب استحکام بیشتر این اعتماد می‌شود و تأثیر عوامل بازدارنده بر سر راه را کم می‌کند.

منافع مشترک می‌تواند شبکه‌ای ایجاد کند که با فرهنگ خاص حاکم، هنجارها و اهداف خود به طور کامل جایگزین همین عوامل در سازمان شود؛ در استرالیا برای مثال می‌توان به قواعد فرهنگی و قانونی احزاب اشاره کرد. در بیشتر موارد مشاهده شده است که منافع مشترک شبکه‌های فساد و احزاب سیاسی، اعضای این احزاب را به اقدام در بدنه مؤسسات دموکراتیک مجلس واداشته است. برنامه‌های پیشگیری از فساد باید بدقت، این منافع مشترک بین صاحبان قدرت و کارکنان بخش دولتی را رصد، و اجزای مستعد تأثیرپذیری از این شبکه‌ها را شناسایی کند.

نهایتاً، مهمتر از هر مسئله دیگری، رویکرد شبکه اجتماعی به موضوع فساد به پژوهشگران این حوزه این امکان را می‌دهد سامانه اجرایی شبکه فساد را از دید تعامل قدرتها و روابط بین مجریان فساد تحلیل کنند. سؤال اصلی که پژوهشگران حوزه فساد باید به آن پاسخ دهند، این نیست که آیا فرد الف مرتکب فساد شده است یا خیر. سؤال اصلی رابطه این فرد با دیگر شبکه‌های فساد است. درک شبکه فساد به ما کمک می‌کند دریابیم که فساد ممکن است به همه افراد شبکه سرایت کند که حتی به صورت مستقیم نیز به سرمنشأ متصل نیستند. این شرایط دوجانبه است. تنها با شناخت رابطه طرفین است که می‌توان به ماهیت واقعی این قبیل اقدامات دست یافت.



## ۷. نتیجه‌گیری

مشکل اصلی بر سر راه طراحی برنامه پیشگیری از فساد، ماهیت و عملکرد مشابه شبکه فساد و شبکه اجتماعی است. همه ما در شبکه اجتماعی بزرگی قرار داریم که بر اساس منافع خود، روابط شخصی و ارتباطات خود را تنظیم می‌کنیم. زندگی اجتماعی لازمه حیات بشری است. این واقع‌بینانه نیست که انتظار داشته باشیم مدیریت منطقی بتواند از پدید آمدن این شبکه‌ها جلوگیری کند. به منظور کنترل سختگیرانه و شدید درباره تعاملات شخصی انسانها، باید بهره‌وری نهادهای بخش دولتی افزایش پیدا کند. اصول ویبر در زمینه نظام اداری بسیار آرمانگرایانه است و نمی‌توان انتظار داشت موارد آن تحقق یابد. یکی از چالشهای نهادهای مبارزه کننده با فساد، طراحی سامانه اداری و سیاستگذاری مناسب برای اطمینان یابی در زمینه یکپارچگی سازمان است. نهادهای مبارزه کننده باید اطمینان به دست آورند که تصمیمات در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در سازمانها به سود منافع عموم است.

## یادداشتها

۱. به منظور بیان ساده‌تر مطالب در این بخش و برای مفهوم بهره، سود، منفعت و ... از واژه منافع استفاده می‌کنم.
۲. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به لامبرث<sup>۱</sup> (۱۹۸۰، ص ۲۹۵) و آتکینسون، آتکینسون و هیلگارد<sup>۲</sup> (۱۹۸۳، ص ۳۱۷) مراجعه کنید.
۳. در این بخش مفهوم وابستگی قدرتها از نظریه جامعه‌شناسی ریچارد امرسون (۱۹۶۲) گرفته شده است.
۴. ویبر<sup>۳</sup> قدرت را توانایی در اکتساب هدفی می‌داند که دیگران از به دست آوردن آن ناتوان هستند (۱۹۷۱، ص ۱۵۶).
۵. بنا بر یافته‌های امرسون<sup>۴</sup>، وابستگی فرد "الف" به فرد "ب" در درجه اول نشانه نیاز مستقیم فرد "الف" به تواناییها و قدرت تحت کنترل فرد "ب" است و در درجه دوم نشاندهنده دسترسی فرد "ب" به منابع و قدرت تحت کنترل فرد "الف" است. قدرت واقعی فرد "ب" بهره‌مندی وی از آن چیزی است که فرد "الف" به آن دسترسی دارد (۱۹۷۰، ص ۴۵).

1. Lamberth

2. Atkinson, Atkinson and Hilgard

3. Weber

4. Emerson

۶. قدرت فرد ممکن است جداگانه و یا به سازمان وابسته باشد.

۷. به منظور بهره‌مندی از اطلاعات بیشتر می‌توانید به دایرة المعارف علوم اجتماعی، اصطلاح فساد سیاسی، مراجعه کنید.

۸. مشکل، زمانی بروز می‌کند که مقامات رسمی معمولاً اقدامات خود را با تعریف وارونه، قانونی جلوه می‌دهند. آنها مرزبندی خود را توسعه می‌دهند و منافع خود را همتراز با منافع عمومی تعریف می‌کنند. آنها همانند موارد عمومی برای رسیدن به منافع شخصی خود تلاش می‌کنند. در این مسیر آنها از هیچ اقدامی صرف نظر نمی‌کنند و تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند. ۹. تمایز قائل شدن بین منافع فردی و عمومی، بسیار دشوار است که در اینجا به آن نمی‌پردازیم.

۱۰. قدرت مفهومی نسبی است که در رابطه با شرایط دیگران تعریف می‌شود؛ برای کسب اطلاعات بیشتر به بایرستاد<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) مراجعه کنید.

۱۱. در یکی از موارد فساد سیاسی، بیش از ۲۴۰۰ ویدئوی ضبط شده از فساد مقامات عالی‌رتبه دولتی در دست است. تمامی این تصاویر در ملاقاتهای هتل به دست آمده است. ۱۲. لازم به ذکر است که معمولاً اقدامات مقامات دولتی و فساد آنها تنها یک بار اتفاق می‌افتد و تکرار آن در حالت مشابه امکان ندارد.

۱۳. یکی دیگر از نمونه‌های شایع فساد در اداره پلیس و بین مأموران آن اتفاق می‌افتد که آنها در برابر دریافت مبلغی اندک، سوابق خلافتکاری افراد را اصلاح می‌کنند و از بین می‌برند. ۱۴. برای کسب اطلاعات در زمینه شبکه فساد می‌توانید به کارتییر- برسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) مراجعه کنید.

۱۵. دیدگاه شبکه اجتماعی را در مطالعه فساد نمی‌توان نظریه جدیدی در این بحث دانست؛ بلکه این رویکرد بیشتر شبیه راهبرد قدرتمندی برای تحقیق در زمینه ساختار اجتماعی است (وایت و بروندر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶).

۱۶. رویکرد شبکه اجتماعی از نظریه اولیه جورج سیمل در ۱۹۹۲ برگرفته شده است. ۱۷. در مطالعه‌ای که توسط تراورز و میلگرام<sup>۴</sup> (۱۹۶۹) انجام شد از افراد خواسته شد نامه‌هایی را به صورت دست به دست و استفاده از آشنایان از شرق ایالات متحده به غرب آن

1. Bierstadt

2. Cartier- Bresson

3. White and Brudner

4. Travers and Milgram

منتقل کنند. تنها ۳۰٪ افراد موفق به تکمیل فرایند انتقال شدند. آنها با استفاده از نتایج روابط افراد را در شش سطح دسته‌بندی کردند.

۱۸. در این بخش به انگیزه افراد برای اقدامات مربوط به فساد صحبت به میان آمد که می‌توانید برای کسب اطلاعات بیشتر به مبحث مهارت‌های اجتماعی مراجعه کنید (آرگیل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸، ص ۵۲ تا ۵۶).

۱۹. نوسانات فراوانی در شبکه اجتماعی وجود دارد (بوت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷).

۲۰. مطالعات فراوانی در زمینه تفاوت بین سامانه اجتماعی افراد و ساختار محیطی آنها صورت گرفته است. یکی از مفاهیم مهمی که در این مطالعات به دست آمده، مفهوم همبستگی است که در هر دو موجود است (براون<sup>۳</sup>، ۱۹۶۵).

۲۱. پاسخهای نظری به سؤالات این بخش بسیار زیاد به نظر می‌رسد؛ حتی عوامل محیطی نیز می‌تواند بر این روند تأثیر فراوانی داشته باشد (فیشر<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷).

۲۲. تفاوت بین گروه و شبکه بسیار ظریف است. گروه معمولاً متشکل از افرادی است که منافع و اهداف مشترکی دارد در حالی که در مفهوم شبکه نمی‌توان روابط را بسادگی تعریف کرد.

۲۳. این دیدگاه در زمینه مبارزه با فساد با متون علم جامعه‌شناسی همخوانی فراوانی دارد (جکسون و دیگران<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷).

۲۴. به منظور آشنایی با تعاریف واژگانی همچون قدرت و نفوذ به مارتین<sup>۶</sup> (۱۹۹۴)، کِلگ<sup>۷</sup> (۱۹۷۹) و مولان<sup>۸</sup> (۱۹۸۷) مراجعه کنید.

۲۵. امروزه داشتن اطلاعات در زمینه موضوعی خاص نیز نوعی قدرت است.

۲۶. در متون اقتصادی نیز می‌توان گاه به مطالب مفیدی درباره اخلاقیات دست یافت.

۲۷. در ایتالیا مطالعات فراوانی در این زمینه انجام شده است. با مطالعه آنها می‌توان به موارد مناسبی دست یافت (دلپورتا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶).

1. Argyle
2. Bott
3. Brown
4. Fischer
5. Jackson et al.
6. Martin
7. Clegg
8. Molm
9. Della Porta

۲۸. تجربیات مؤلفان این حوزه بسیار مهم و مفید است. دلپورتا روابط فردی را بسیار مهم می‌دانت.

۲۹. قانون نظام پرداخت عامل مهمی در میزان فساد در کشورهای در حال توسعه است (پالمر، ۱۹۸۳؛ آلتاس، ۱۹۹۰).

۳۰. اختلاف نظرهای فراوانی بین نخبگان سیاسی و دیگر فعالان سیاسی وجود دارد. رز آکرمن قدرت نخبگان سیاسی را در نظامهای دموکراتیک پیشرفته با قدرت عموم مغایر می‌داند (۱۹۹۶).

۳۱. عوامل زیادی در وقوع و توسعه فساد تأثیر دارد که برای آشنایی با آنها می‌توانید به زیپارو (۱۹۹۸) مراجعه کنید.

۳۲. به منظور آشنایی با ابعاد سیاسی موضوع می‌توانید به مارتنز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) مراجعه کنید.

۳۳. برخورداری افراد از مقام رسمی در ادارات لزوماً به منزله برخورداری آنها از قدرت نیست (وارن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷).

۳۴. منظور من از قدرت سازمانی، منابع در دسترس سازمان نیست؛ بلکه منظور تأثیر اقدامات و موقعیت فرد در سازوکار سازمان است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Martens

2. Warren



# Abstracts

پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني